



اجتماعی



الهام رضایی



نگاهی به مجالس عزاداری زنانه

اشاره:

راهی می‌شوی تادر همین مجلس سبز، قلب شیدایت را روانه حرم
شش گوشه‌اش کنی؛ اما...

پرچم‌های آویخته بر در، تو را مطمئن می‌سازد که راه را اشتباه نیامده‌ای. می‌دانی امکان حضور در چنین مجلسی، افتخار و سعادت می‌طلبد که شاید عشق و ارادت قلبی‌ات زمینساز آن شده است. پس راه رفتن را در پیش می‌گیری. به رسم دیرینه خانه و صاحب‌خانه هر دو سیاهپوش شد و ازدحام جمعیت حاضر در مجلس به حدی می‌رسد که می‌توانی امیدوار باشی طنین صدای محزونشان بی‌پاسخ نمی‌ماند. عطر گلاب محمدی تو را بی‌قرار می‌کند و بیریق و پارچه‌هایی که نامش فریاد می‌زنند، دلت را هوایی‌تر. نام او که می‌آید، دیگر شرم و غرور نمی‌شناسی. چشمان به اشک نشسته‌ات، میل بارانی شدن می‌یابند. با خود می‌گویی شاید زمان آشتی دادن کویر دل با فرات رسیده است، اما در این دل دل کردن‌ها، ناگاه گردش خیس چشمانت با سیاه جامگانی تلاقی می‌کند که دیدنشان تو را به وادی دیگری می‌کشاند.



دعاگاه

جامه سیاه آنان بی شباهت‌تر از هر چیز به رخت عزاء، بیشتر به لباس شب می‌ماند و ظاهر و موهای آراسته‌شان مجالس دیگری را در مقابل دیدگانت نداعی می‌کند. مجالسی که در آن هر کس با آب و لعاب بیشتر سعی کرده گوی سبقت را از دیگری بریاید.

محو تماشای این سیاه‌پوشان آراسته که می‌شوی، ناگهان ذکر عباراتی تو را به فضایی می‌آورد که برای لحظاتی از آن دور مانده‌ای. خطبه‌ای که بارها و بارها آن را شنیده‌ای: یا غریب یا مظلوم کربلا یا لیتنا کنا معکم و نفوز قوزا عظیماً

حال می‌دانی که کجا هستی و برای چه آمده‌ای. با دیدن یک بانوی سخنران که به گفته میزبان مجلس از سخنوران نامی است، کمی آرام می‌گیری و مصمم می‌شوی با درویش ساختن چشمان خویش از زرق و برق ظاهری حاضران مجلس، دلت را همچون لحظات آغازین مراسم کربلایی کنی. پس دل به راوی مجلس می‌سپاری و او روایتگر قصه‌های کربلا می‌شود. حال اشکها باریدن می‌گیرد و ناله‌ها فریاد می‌شوند، اما از میان گفتنی‌های کربلا، قصه‌ای ناگفتنی روایت می‌شود. باز بحث عروسی قاسم است و گوشواره کشیدن از گوش رقیبه علیها السلام می‌دانی که چندی پیش یکی از سخنوران نامی با جسارت تمام بر این داستان‌ها خط بطلان کشیده و گفته است در رد این داستان همین بس که اهل بیت علیهم السلام در دشت کربلا بی هیچ زور و جسری تمام زیور آلات خود را درآورده و بیرون خیمه گذاشتند تا دست‌های نجس و ناپاک آن نامحرمان به همین بهانه بر آنان تعدی نکند و عصمت و طهارت این اهل بیت علیهم السلام را زیر سؤال

نبرد. در حالی که دچار شک و تردید شده‌ای، نمی‌دانی چرا از میان حماسه‌های کربلا گفتنی‌ها مسکوت می‌مانند و ناگفتنی‌ها به زبان می‌آیند؟

می‌هراسی که شاید در این مجلس نیز سخن به بیراهه کشیده شود و اصل کلام ناگفته بماند؛ چرا که مدت‌هاست اعتقاد پاک و سپید مردم و باور سبز آنان با پارهای خرافات و تحریفات به بازی گرفته شده است. به خود که می‌آیی. می‌بینی باز همان دو قصه است و روز از نو و روزی از نو. ناخودآگاه به یاد ایام قدیم می‌افتی. همان زمان که راویانی به نام «نقال» بر پرده‌های منقوش از حماسه‌سازان کربلا، قیام عاشورا را به تصویر می‌کشیدند، اما قصه‌آن نقالان کجا و اظهارات این سخنوران کجا! گویی تحریفات و بدعت‌ها هر روز بیشتر رواج می‌یابند. هر چند باورش سخت است، اما می‌دانی که این مجلس تهی‌تر از آن شده که دیگر آمیدی به آمدن و یا نظر کردن صاحب عزای آن باشد. پس راه رفتن را در پیش می‌گیری. چند قدم آن‌طرف‌تر، مجلس عزای دیگری به نام حسین علیه السلام برپا شده و تو آرزو می‌کنی کاش در آن مجلس که عاری از رنگ و خطای این مجلس است، دست‌های نیازت محروم از استجاب دعا نماند. بدین امید راهی می‌شوی؛ اما با خود می‌اندیشی به راستی چرا مجلس عزای حسین علیه السلام رنگ و بوی دیگری یافته است؟ حال آنکه در اکثر این مجالس، میزبان تمام هم و غم خود را صرف حضور و یک نگاه عنایت بخش صاحب عزا کرده است. سیاه پوش کردن در و دیوارهای خانه، جمع کردن شیعیان و دوستان اهل بیت، نوحه‌خوانی و عزاداری کردن حاضران و قرائت برخی ادعیه و زیارات مطروح از

جمله زیارت عاشورا، حدیث کساء و... گوشه‌ای از همین ارادت پاک و خالصانه صاحبخانه است که با برپایی مجالس حسینی، خانه خویش را یک عمر از برکات و انوار این امامان معصوم بهره‌مند ساخته است و به راستی چه سرمایه‌ای بالاتر از اشک شیعیه برای حسین و اهل بیت او؟ اما آیا این اشکها را می‌توان به هر بهانه و با هر خطابه‌ای جاری کرد؟

خانم معصومه ظهیری به عنوان یک صاحب نظر و مسئول کتابخانه دانشکده جامعه الزهراء، در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «خوشبختانه بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، رویکرد مردم در استقبال از مراسم عزاداری حسینی، تحسین برانگیز و در خور توجه است که این نشان می‌دهد شعائر اسلامی توانسته‌اند امیال مردم را به سوی خویش جذب کنند، اما این جذب به خوبی ساماندهی و سوق‌دهی نشده است و از طرف دیگر برخی افراد کم سواد و سوجدو از پاک و سادگی مردم سوء استفاده کرده و فضا را برای ورود انواع خرافات، بدعت‌ها و رسوم غلط باز کردند.»

وی مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف برگزاری مجالس عزای امام حسین علیه السلام را تشریح و توصیف عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام دانسته و یادآور می‌شود: «از آنجا که در عشق به امام حسین علیه السلام یک گرمی خاصی وجود دارد که همواره در قلب مؤمنان است و هیچگاه به سردی نمی‌گراید، می‌توانیم بگوئیم برگزاری چنین مجالسی تجدید عهد و میثاق با سالار شهیدان است، اما گاه برخی خرافات و ترویج آن در این مجالس ما را از اهداف اصلی‌مان باز می‌دارند.»



ظهیری تصریح می‌کند: «همواره در هر برهه از زمان تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی، برخی امور به طور مقطعی رایج است که نذر و نیاز، دعانویسی و... را شامل می‌شود. اما این گونه فعالیت‌ها هیچگاه مستمر نبوده و آنچه دائمی است و میدان دار قصه، نهضت عاشورا است که از همین رو بعضاً شاهد سوء استفاده‌هایی در این مقوله هستیم. به طور مثال در خصوص عروسی حضرت قاسم علیه السلام، به استناد اسناد و روایات اسلامی، تنها مسئله خواستگاری پسر امام حسن علیه السلام از دختر امام حسین علیه السلام مطرح شده است که آن هم در فاصله دو شهر مکه و مدینه و در زمان هجرت بوده؛ نه در کربلا. جدا از این مسئله، منطقی به نظر نمی‌رسد که در زمان جنگ و حماسه، بحث عروسی حضرت قاسم علیه السلام مطرح شود که این امر با درایت، کیاست و دوراندیشی امام معصوم همخوانی ندارد؛ لذا طرح چنین مباحثی در مجالس عزای ائمه اطهار علیهم السلام، مغایر شأن اهل بیت علیهم السلام است.

از طرف دیگر در برگزاری مراسم بزرگداشت مقام شامخ امامان و اهل بیت علیهم السلام باید شأن و ارتباط خودمان با ائمه را نیز در نظر بگیریم که بحث ما مرید و مراد است و ما آگاهانه از این امامان معصوم علیهم السلام پیروی می‌کنیم، در حالی که متأسفانه در برخی مجالس این شأن و منزلت در نظر گرفته نمی‌شود و برخی سخنرانان یا مداحان خود را با بدترین الفاظ؛ سگان، اشتران و دیگر چهارپایان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آورند که این با موجودیت انسان که دارای شعور و آگاهی است، منافات دارد. پس دست‌هایی در کار است تا ما شعار بدون شعور داشته باشیم، حال آنکه اگر در مجالس حسینی هم

او که صاحب نهضت و انقلاب بود، به محتوای سخنان توجه نکنیم، شکلی بدون محتوا می‌ماند. پس شعائر و «حسین حسین» گفتن‌های ما زمانی ماندگار می‌ماند که با شعور همراه باشد.»

ظهیری با اشاره به دو عامل «جهالت» و «عامی بودن مردم» و تحریکات بیگانه، به عنوان عوامل اصلی ترویج خرافات، می‌گوید: «هر تشکل و صنفی نیازمند نظارت و بررسی دقیق است که این قاعده در خصوص مداحان و سخنوران نیز صدق می‌کند، لذا جا دارد دست اندرکاران امور فرهنگی با آگاه کردن نسل جدید و با در اختیار دادن پژوهش‌ها و ابزارهای جدید، تمام امور فرهنگی را مورد نظارت و بازرسی خویش قرار دهند. در بحث حفظ شعائر اسلامی نیز باید بین قدرت اهل بیت و عنایت و توجه آنها و این که چه چیزی را می‌خواهیم رواج دهیم، تمایز قائل شویم؛ چرا که علم اهل بیت علیهم السلام به جهان طبیعت زیاد است و شیعیان این مسئله را باور دارند. از این روست که می‌بینیم برخی با نیت و اعتقادی پاک دست به نذر و نیاز می‌زنند که متأسفانه بعضاً از همین نیت پاک و خالصانه سوء استفاده می‌شود و به واسطه برخی خرافات و بدعتها، نیت مردم به بازی گرفته می‌شود.»

این کارشناس با اظهار تأسف از برخی مجالس عزاداری که خالی از رنگ و بوی معنویت است، خاطر نشان می‌کند: «در مجالسی که با نام اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌کنیم، باید ضمن تبیین و توصیف حقایق و معارف اسلامی به مردم، شأن و شئون مجلس را نیز در نظر بگیریم. به عبارت دیگر، در این گونه مجالس و خاصه مجلس عزای

امام حسین علیه السلام، از میزبان گرفته تا حاضران، همه و همه باید ظاهراً و قلباً به گونه‌ای در این مجالس حضور یابند که شأن این اماکن حفظ و پاسخ واقعی از برگزاری این مراسم دریافت شود که این مهم با اظهار لطف و محبت به ائمه اطهار علیهم السلام و برائت از دشمنان آنان محقق می‌شود؛ لذا انجام هر عملی در این مجالس مباح نیست و گاهی «حرام و خلاف شئون اسلامی محسوب می‌شود.»

آری حفظ شعائر اسلامی، برترین راه نزدیک شدن به خدای بزرگ، رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است؛ چرا که به واسطه همین امر، مقصد و مقصود پیشوایان معصوم زنده می‌ماند.

مؤید این حرف فرمایش گهربار پیر فرزانه‌ها امام خمینی (ره) است که فرموده‌اند:

«مکتب سید الشهداء علیه السلام را روضه و روضه خوانی‌ها حفظ کرده است. حرف سید الشهداء، حرف روز است و حرف روز را سید الشهداء (ع) آورده و به ما داده است؛ لذا هر مکتبی هیاو می‌خواهد و باید پای آن عزاداری نمود.»^۱ استناد به این اصل مهم تعهد و توجه بیشتری می‌طلبد. خاصه اکنون که توطئه دشمنان، شعائر اسلامی ما را نشانه رفته است. پس اجازه ندهیم فلسفه قیام و نهضت حماسی عاشورا، در سایه این تهاجم سیاه دشمن، تحت الشعاع قرار گیرد.

منابع:

۱. اطلاعات شماره ۱۵۹۰۱، چهارشنبه ۲۰ تیر ۲۰۵۸. عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه (علی ربانی خنخالی).

